



اهداف تغییرات مدیریتی در مازندران

آرمان شمال: همانند دوره‌های قبل با شروع به کار نماینده عالی دولت و استاندار جدید، پیش‌بینی می‌شد، رایزنی‌های متعددی برای جابجایی و یا حذف مدیران کنونی و بکارگیری افرادی دیگر در سطوح استانداری، فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها و به تناسب آن مدیران کل استان و مدیران شهرستان‌ها رقم بخورد.

طبیعی است استاندار جدید با کمی تأمل و بررسی در روزهای نخست ورود به این جایگاه جدید مدیریتی دو راه داشته باشد، یا با همین تیم فعلی در سطوح استانی و شهرستانی کار کند و چند صباحی در ساختمان استانداری به عنوان نماینده عالی دولت کار کند، یا اینکه برای تحقق اهداف و برنامه‌های دولت و تحقق برنامه‌های توسعه‌ای استان و رفع دغدغه‌های عمومی جامعه، نسبت به بازنگری تیم مدیریتی و غربالگری و بکارگیری مدیرانی توانمند، با تجربه و امین مردم و دولت اقدام کند.

عموماً در رایزنی‌های مربوط به انتصاب مدیران، تفکر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای تحقق اهداف گروهی خاص مدنظر است، حال آن که باید ملاک انتخاب توانمندی، تجربه و امین بودن برای تحقق اهداف و برنامه‌های ملی، استانی و شهرستانی با هدف توسعه، بکارگیری و بهره‌مندی بیشتر از ظرفیت‌های مازندران، رفع دغدغه‌های عمومی جامعه

در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف و رفاه اجتماعی بیشتر برای مردم مدنظر باشد.

گرچه در انتصاب مدیران استانداری و فرمانداران و بخشداران و حتی سایر مدیران غیر وزارت کشوری استانی و شهرستانی تفکرهای سیاسی وجه غالب است، ولی با شعارهایی که محمد اسلامی به عنوان استاندار مازندران طی دو ماه حضور خود در استان داده است، انتظار آن می‌رود که شایستگی و بکارگیری مدیرانی با تجربه و توانمند از سوی ایشان وجه غالب انتخاب و انتصاب باشد.

البته باید دید کمیته انتصابات استانداری قبلاً نمک‌گیر نشده باشند، یا تحت تأثیر فضاهای سیاسی و رایزنی‌های متعدد (که در مازندران بی‌شمار است) قرار نگرفته باشد. واقعاً شاخص‌های انتخاب و انتصاب مدیران در کشور، استان و شهرستان چیست؟ اگر ملاک انتخاب و انتصاب مدیران شاخص‌ها و معیارهای کمی و کیفی در نظر گرفته شده توسط کمیته انتصابات است، چرا این همه مدیر ناتوان و ناکارآمد در سطوح ملی، استانی و شهرستانی وجود دارد؟ واقعاً گره کار کجاست؟

فعلاً آنچه که مردم می‌بینند و می‌شنوند، چرخش جایگاه‌ها و صندلی‌ها بین عده‌ای خاص و یک گروهی خاص است. آیا واقعاً همین تیم اصلح‌ترین‌اند؟ آیا در مازندران نیروهای بومی توانمند دیگری وجود ندارد؟! یا سدهای سیاسی و اقتصادی و منافع عده‌ای مانع از حضور آنها در عرصه مدیریتی استان است.

تغییر تعداد قلیلی از مدیران ستادی استانداری و تغییر و جابجایی چند فرماندار تا به امروز از جمله فرماندارهای نوشهر، نور، فریدونکنار، شاید نشان از شروع تغییرات مدیریتی در استان مازندران در دولت دوازدهم و آغاز به کار استاندار جدید باشد، ولی باید دید این جابجایی‌ها و تغییرات مدیریتی چقدر با برنامه، بدون تأثیر سفارشات چقدر مفید و همسو با تحقق اهداف توسعه‌ای استان و رفع موانع و تنگناهای اجرایی مازندران و رفع مشکلات مردم زحمتکش این دیار علوی خواهد بود.

امیدواریم محمد اسلامی و تیم مشاوران ایشان در انتخاب، جابجایی و یا انتصاب مدیران و تیم کاری خود در سطح استان و شهرستان‌های آن، غرق در فضاهای سیاسی و اقتصادی عده‌ای خاص در مازندران نشوند و با بکارگیری افرادی با تجربه و توانمند به تدریج نسبت به ساماندهی امور، اصلاح و بهبود وضع موجود، رفع موانع و تنگناهای توسعه‌ای

استان و رفع دغدغه‌های عمومی مردم اقدام کنند.

هر چند که هنوز در کشور، استان و شهرستان‌ها، برخی مدیران ناکارآمد و ناتوان وجود دارند و فکر می‌کنند "سند مدیریتی" یک بخش از استانداری، فرمانداری، ادارات کل استان و شهرستان‌ها بنام آنها تنها به واسطه ظاهری آراسته و همسو با دولت صادر شده است و مادام‌العمر و یا بهتر بگوئیم تا پایان یک دولت و آن هم تنها بخاطر ظاهری سیاسی باید سکان‌دار امور مدیریتی باشند و از نظر آنها هیچ کس حق ندارد، وارد حریم خصوصی سیاسی و یا اقتصادی آنها شود که این خود نیز جای تأمل فراوان در دولت جمهوری اسلامی برای مردم دارد و مورد سوال آحاد جامعه است و جای خود را به مدیران توانمند و با تجربه نمی‌دهند. ولی از سوی دیگر توانمندی و صداقت و پاکدستی برخی مدیران کارآمد نیز بر مردم پوشیده نیست.

شاید بتوان گفت: بهترین محل قضاوت ارزیابی عملکرد مدیران در سطوح استانی و شهرستانی واقعیت‌های ملموس جامعه است که مردم خوب آن را درک می‌کنند، نه تعریف و تمجید خود مدیران.

حال باید دید آیا واقعاً این تغییرات مدیریتی در سطوح استانی و شهرستانی برای تحقق اهداف و برنامه‌های استان و شهرستان‌های آن انجام می‌شود، یا مازندران همچون گذشته تنها شاهد تغییر چیدمان تیم مدیریتی در سطح استان و یا حذف برخی مدیران تنها بخاطر عدم همسویی سیاسی یا عدم تأمین منافع اقتصادی و سیاسی عده‌ای خاص خواهد بود و یا اینکه با بکارگیری برخی افراد ناکارآمد عده‌ای را در تست و سنجش توانمندی قرار داده و بی‌خیال استان، مشکلات و تنگناها و برنامه‌های توسعه‌ای آن خواهیم شد و یا اینکه با حذف یک مدیر همه عدم تحققها و همه مشکلات را متوجه مدیر حذف شده خواهیم کرد.

امکان قضاوت عملکرد مدیران در مازندران بسیار آسان است، چون رصد حرکات و اقدامات هر تیم مدیریتی مرتب در حال انجام است و آینده‌ای نزدیک عملکرد استاندار جدید و تیم مدیریتی همراه ایشان را قضاوت خواهد کرد.

آنچه برای مازندران و مردم آن از همه چیز مهم‌تر است، این است که تغییرات منجر به اصلاح و بهبود امور استان شود و همه مردم انتظار دارند بهبود امور را در آینده‌ای نه چندان دور به طور واقعی و ملموس احساس کنند. این مهم تحقق نخواهد یافت مگر با همدلی،

همسویی و وحدت و بکارگیری مدیرانی دلسوز، متعهد، مومن، با تجربه و توانمند در سطوح استانی و شهرستانی. همیشه حذف تنها راه حل نیست، مدیران توانمند باید تشویق و ارتقاء یافته و الگوی دیگران قرار گیرند و مدیران ناکارآمد و ناتوان یا خودشان بروند (هر چند که در کشور این افراد خود را بیشتر از دیگران وامدار میدانند) و یا به صلاح دولت و مردم است که این افراد از چرخه مدیریتی کنار روند، هرچند که این اقدام امروز موثرتر از فردا است. / فارس